



## خشت‌ها سخن می‌گویند

مهری سلیمی

روزنامه‌نگار

سفر به مشهد مقدس برای آنهایی که باورهای مذهبی دارند و ارادتی به صاحب گنبد و بارگاه این شهر دارند يك سفر عادی نیست ولی احتمالاً بسیاری تنها برای عرض ارادت به آن آستان می‌روند و در بند حواشی آن محل نیستند و به بطن آن سفر می‌کنند که باطن این شهر امام است. اما نباید فراموش کنیم که مکان نیز نقش بسیاری در برقراری ارتباط با بطن محیط دارد و توجه به آن می‌تواند رشته‌های این پیوند را محکم‌تر کند.

جان بخشی به اشیا صنعتی است که در ادبیات پرکاربرد است که نمونه‌هایی را می‌توان برای آن نام برد. سعید تشکری با استفاده از این صنعت روایتی از حرم رضوی ارائه کرده که خواننده با آن غافلگیر می‌شود. او در رمان «غریب قریب» داستان ساختن و بازسازی حرم امام رضا(ع) در دوران‌های مختلف تاریخ ایران را بازگو کرده است.

این کتاب شامل ۱۲ بخش است که هر کدام در قالب داستانی ساخت و نگهداری حرم را در دوران‌های نوغانیان، سامانیان، غزنویان، سلجوقیان، خوارزمشاهیان، چنگیزی‌ها، ایلخانان، تیموریان، صفویان، افشاریان و قاجار روایت کرده است. در این رمان مکان سخن می‌گوید و در واقع شیء بی‌جان به سخن آمده تا تاریخ را بازگو کند.

در این رمان خواننده تلاش دلدادگان برای حفظ و نگهداری حرم امام‌شان را می‌خواند. نویسنده تلاش کرده در این داستان موقعیت‌های داستانی متفاوتی را خلق کند که در آن سخنگو يك مکان است. شاید باورکردنی نباشد، ولی تشکری دست به کاری زده که باز هم در نوع خود متفاوت است و خواننده را در فضایی تازه به جهان داستان می‌برد.

تشکری که خود را خادم بارگاه رضوی معرفی می‌کند و بارها در داستان‌هایش این مساله را به خواننده‌اش نشان داده در اینجا نیز نشان داده که دلبسته صاحب این آستان است و قلمش را در این مسیر خرج کرده است. او در این رمان سراغ خشت خشت حرم رفته و از زبان آنها تاریخ را نشان داده است. غریب قریب، روایتی است که می‌تواند نقش مهمی در ساخته شدن جهان ذهنی خواننده در قبال بارگاه نورانی حضرت رضا<sup>(ع)</sup> داشته باشد. در واقع تشکری تلاش می‌کند که از ظاهر به بطن برود و در این تلاش موفق بوده است.



نام اثر:

سیمیا

نویسنده:

سعید تشکری

انتشارات:

کتاب نیستان

۱۲۸ صفحه

۲۸۰۰۰ تومان

مروری بر رمان «سیمیا» تازه‌ترین اثر داستانی سعید تشکری

## سفر به سرزمین فراعنه



امام جواد(ع) گرفته شود و مجری این انتقام هاتف است. او راهی مصر می‌شود تا فکری را که در سر دارد، اجرا کند. نویسنده با وجود ضرباهنگ داستانش که به سرعت پیش می‌رود خواننده را پله پله و باطمینان به هدفی که در سر شخصیت داستانش دارد، نزدیک می‌کند. خواننده در هیچ کجای داستان احساس نمی‌کند چیزی از قلم افتاده یا نویسنده پرسشی مطرح کرده و پاسخی برای خواننده در نظر نگرفته بلکه با وجود حجم کم و البته با تاکید چندباره بر ضرباهنگ اثر، خواننده در جهان داستان با پرسش‌هایش رها نمی‌شود و نویسنده او را با خود در هوشیاری و نه در خلسه و خواب همراه می‌کند.

فرمی که تشکری برای روایت داستانش از آن بهره برده فرمی به شدت نمایشی است. خواننده در این اثر داستانی با بخش‌هایی روبه‌روست که شخصیت در قالب يك مونولوگ به معرفی خود و نقشش در داستان می‌پردازد. این تمهید که خواننده را یاد «پیش‌پرد» می‌اندازد، در سیمیا از سوی تشکری به کار رفته و در واقع گره معرفی و باز کردن شخصیت را باز کرده و تشکری به اصل قصه پرداخته است. خواننده در این اثر فضای خفکان و رعب و وحشت حاکم بر روزگار عباسیان را به خوبی درک می‌کند. قصری که «اشناس» در آن ساکن می‌شود و معماری و توصیفاتی که تشکری از آن برای خواننده بیان می‌کند سبب می‌شود این خفکان به خوبی به ذهن متبادر شود. علاوه بر این، فضای بسته روزگار حکومت عباسیان که به اسم محبت اهل بیت(ع) پرچم بلند کردند، ولی بارها دست به جنایت زدند نیز در اثر نمایش داده شده است. حال باید یادآوری کنم که تمام این اتفاقات در يك اثر ۱۲۸ صفحه‌ای برابر خواننده قرار گرفته و او را با خود به سفری دور و دراز می‌برد.

خیال‌انگیز بودن و نثر شاعرانه یکی از ویژگی‌هایی است که اغلب کسانی که با آثار تشکری مواجه شده‌اند به آن اشاره کرده‌اند و در سیمیا نیز این خیال‌انگیزی به چشم می‌آید و خواننده خود را در برابر آن می‌بیند.



مصطفی وثوق‌کیا

روزنامه‌نگار

آنهایی که سعید تشکری را دنبال می‌کنند و مخاطب آثار او هستند می‌دانند که او نویسنده‌ای است اهل تجربه و هر يك از آثارش جهان تازه‌ای پیش روی مخاطب می‌گشاید. کمتر کسی است که سعید تشکری خواننده باشد و بگوید دو کار او شبیه به هم است. او هم در مضامینی که به آنها پرداخته و هم در زبان و لحن نویسنده‌ای است که بدون اغراق همیشه حرف‌های تازه‌ای برای خوانندگانش دارد. «سیمیا» تازه‌ترین اثری است که از تشکری منتشر شده و نویسنده در آن باز هم نمایی تازه از قلم خود را به خوانندگان نشان داده است. خوانندگانی که آثار تشکری را به خاطر شاعرانگی آن دوست دارند، کسانی که تشکری را به خاطر مضامینش می‌پسندند، مخاطبی که کتاب‌های تشکری را به خاطر جغرافیای حاکم بر داستان‌هایش می‌خواند و... طیفی از مخاطبان تشکری را تشکیل می‌دهند.

تشکری در این رمان که ادامه و دنباله‌ای بر رمان تحسین شده «ولادت» معرفی شده، شخصیت‌های رمان قبلی را از زاویه‌ای دیگر و در پی گذشت سال‌ها به خواننده نشان می‌دهد. شخصیت هاتف و لیلای رمان ولادت در سیمیا صاحب فرزندی شده‌اند و گرد روزگار بر سر و روی آنها نشسته است. حالا هاتف در زندان مامون اسیر است و جوانی به نام سیاح در طلب ازدواج با دختر آنهاست و برای جلب اذن پدر و دختر و دیدار با نعمان برادر خود که هر دو اسیر زندان مامون هستند از قم راهی بغداد می‌شود...

قصه از جایی شروع می‌شود که ماجرای انتقام و خون‌خواهی مطرح می‌شود و مسیر اتفاقات هم نفس خواننده را می‌گیرد و هم سرعت بیشتری پیدا می‌کند. نویسنده دست خواننده‌اش را می‌گیرد و از قم به کرانه رود نیل می‌برد و سرزمین فراعنه و اهرام را به او نشان می‌دهد. انتقامی که قرار است از قاتلان

سند کمپانی خودرو سواری پژو ۴۰۵ جی‌ال ایکس آی ۸۱، مدل ۱۳۸۳، رنگ یشمی - متالیک، به شماره پلاک ۷۷۷ ج ۶۱ - ایران ۱۱، شماره موتور 22568233430 و شماره شاسی 82033547 به نام محمدهادی رهبری مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند و برگ سبز خودرو وات پیکان 1600 OHV، مدل ۱۳۸۶، به رنگ سفید روغنی، به شماره انتظامی ۵۱۴ ق ۹۳ - ایران ۱۳، شماره موتور 31650454 و شماره شاسی 11486042651 به نام طیبیه بدیعی گورتی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگه کمپانی خودرو MVM ۱۱۰، مدل ۱۳۸۸، رنگ سفید روغنی، به شماره پلاک ۶۹۱ م ۷۸ - ایران ۱۱، شماره موتور MVM372FG9012742 و شماره شاسی IR88211011534 به نام اعظم رخستی گشتی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند برگ سبز و سند کمپانی خودرو سواری پراید، مدل ۸۳، رنگ عنابی، به شماره انتظامی ۸۵۳ ج ۵۸ - ایران ۷۶، شماره موتور 00974121 و شماره شاسی S1412283356336 به نام مهران پورمرزی لیجاهی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.